

رابطه حکومت جهانی و انتظار بر مبنای قرآن و روایات و عهد جدید

khodajooyan135@yahoo.com

فاطمه خداجویان / استادیار ادیان و عرفان، دانشگاه مذاهب اسلامی

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۱ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

چکیده

از دیرباز، تحقق حکومت جهانی عاری از هرگونه ظلم و خشونت به همراه آینده ای روشن برای زندگی، از آرزوهای بشر بوده است. پیامبران و ادیان الهی بشارت داده‌اند که سرانجام، حکومت واحد جهانی مبتنی بر قسط و عدل شکل خواهد گرفت و این آینده به دست مصلح کل و منجی جهانی تحقق خواهد یافت. از این رو، پیامبران و اولیا برای تحقق حکومت الهی جهانی، انسان‌ها را به انتظار دعوت می‌کنند؛ انتظاری سازنده و پویا. در اسلام، حکومت جهانی توسط حضرت مهدی عج و در مسیحیت، ملکوت خداوند به واسطه حضرت مسیح ع تحقق می‌یابد. این حکومت ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر حکومت‌ها متمایز می‌سازد؛ از جمله: خلافت پاکان و صالحان؛ برپایی احکام الهی؛ حکومت عدالت‌محور؛ رفاه اقتصادی؛ و... مؤمنان به این دو دین، بر مبنای متون معتبر، خود را برای چنین روزی آماده و مهیا می‌کنند و در انتظار به سر می‌برند. در مقاله پیش رو، نگارنده بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی به مقایسه چرایی انتظار برای حکومت جهانی در دو دین مسیحیت و اسلام بپردازد؛ در اولی بر مبنای عهد جدید و در دومی بر مبنای آیات و روایات.

کلیدواژه‌ها: انتظار، حکومت، قرآن، کتاب مقدس، مسیح، مهدی.

بیان مسئله

بعضی از ادیان الهی، مانند مسیحیت و اسلام، هر یک به نوبه خود دنبال تشکیل حکومت جهانی بوده‌اند. ایجاد جامعه و فرهنگ جهانی، از جمله اهداف و رسالت‌های این ادیان بوده است. جامعه ایده‌آل مورد نظر ادیان الهی جامعه‌ای است که در آن ارزش‌های الهی، معنویت، قوانین دینی و عدل و قسط حکمفرماست. در این جامعه، حکومتی برپا خواهد شد که از وعده‌های تخلف‌ناپذیر خداوند است. حکومت واحد جهانی دارای خصوصیتی است که آن را از دیگر حکومت‌ها متمایز می‌سازد؛ حکومتی است که با ظهور منجی موعود و مصلح جهانی تحقق خواهد یافت؛ موعودی که همه انبیا و اولیا در طول تاریخ ظهور او و برپایی حکومت الهی جهانی‌اش را به انتظار نشسته‌اند (آیتی، ۱۳۹۶، ص ۷-۳۸).

در اندیشه اسلامی، حضرت مهدی علیه السلام و در اندیشه مسیحیت، حضرت مسیح صلی الله علیه و آله هر دو از سوی خداوند مأمور به تشکیل حکومت واحد جهانی‌اند. در واقع، تجربه چندین قرن زندگی بشر نشان می‌دهد که برای تشکیل چنین حکومتی باید منتظر موعود آسمانی بود؛ چراکه بشر زمینی توانایی چنین امری را ندارد (قصص: ۵؛ نور: ۵۵؛ مکاشفه یوحنا ۱۹: ۱-۲۱).

تشکیل حکومت جهانی با رهبری الهی، پاسخی به نگرانی بشر از آینده خود اوست. اسلام و مسیحیت، همچون دیگر ادیان الهی، آینده‌ای روشن برای زندگی انسان پیش‌بینی می‌کنند و امید به زندگی در چنین آینده‌ای، در قالب «انتظار» به زندگی آنان معنا و گرمی می‌بخشد (ر.ک: اول پطرس، ۴: ۱۲-۱۳). یک انسان معتقد در ادیان الهی، آینده بشر را تحت حکومت «مصلح کل» می‌داند که برای نجات بشر قیام کرده، حکومتی تشکیل خواهد داد و همه ملت‌ها را زیر پرچم واحدی جمع خواهد کرد؛ دیگر، اثری از اختلافات نژادی، قومی، ملیتی و... نخواهد بود؛ بلکه همه تسلیم فرمان خدا قرار خواهند گرفت. برای تحقق یافتن چنین حکومتی باید انتظار کشید. «انتظار» به معنای چشم به راه بودن است و منتظر کسی است که از وضع موجود راضی نیست و برای وضع بهتری می‌کوشد (طباطبایی، ۱۳۸۴، ص ۷۱۴).

ضرورت انتظار، زمانی پرنرنگ‌تر می‌شود که بشر با وجود بحران‌ها و نیازهای درونی و روحی، قادر به اصلاح وضع خود نخواهد بود. بشارت‌هایی که او را برای رسیدن به مدینه فاضله مشتاق می‌کنند، امید او را برای رسیدن به آینده‌ای روشن و رهایی از بحران‌ها با آمدن مصلح نجات‌بخش افزون خواهد کرد. در حقیقت، انتظار حالتی نفسانی است که در برابر یأس و ناامیدی قرار دارد. این حالت روحی امیدبخش، موجب حرکت و آمادگی روحی و جسمی منتظر می‌گردد و هرچه که انتظار عمیق‌تر و جدی‌تر باشد، آمادگی و مهیا شدن انسان منتظر نیز بیشتر خواهد شد (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۵۲).

پیشینه تحقیق

درباره موضوع انتظار و حکومت جهانی مقالات زیادی بررسی شد. در هیچ‌یک از آنها، چه قدیم و چه جدید، درباره انتظار برای حکومت جهانی با این رویکرد که در مقاله استفاده شده، سخنی به میان نیامده است. کتبی مانند *الغیبه* شیخ طوسی و *نعمانی* و کتاب *معجم اللاهوت الکتابی از لیون دوفر* و مقالاتی مانند «فلسفه انتظار»، «جهان پس از ظهور منجی از منظر عهد جدید»، «دورنمایی از حکومت حضرت مهدی» و... هر کدام به گونه‌ای و روشی دیگر به مسئله انتظار یا حکومت جهانی پرداخته‌اند و این مقاله متفاوت از آنها درباره چرایی انتظار برای حکومت جهانی و ارتباط این دو بحث می‌کند.

۱. پیشینه انتظار برای حکومت جهانی

اصل مسئله انتظار برای حکومت جهانی، از جمله مسائل و اعتقادات مشترک بین همه مذاهب اسلامی است. با بررسی آیات مرتبط به آینده بشر بر روی زمین، به وعده‌های خداوند در قرآن برمی‌خوریم که نوید برپایی حکومتی را می‌دهد که از آن صالحان (انبیاء: ۱۰۵) و مستضعفان (قصص: ۵) خواهد بود. در ادامه روایاتی ذکر خواهد شد که به تفصیل به چگونگی و ویژگی آن اشاره می‌کنند؛ همچنین از رهبری حضرت مهدی عج در آن حکومت یاد می‌کنند که احکام خداوند را بر روی زمین جاری خواهد کرد و انسان‌ها در انتظار ظهور او هستند. مسلمانان در نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عج و رهبریت جهانی و ویژگی‌های انقلاب ایشان، تقریباً اتفاق نظر دارند. یکی از اختلافاتی که بین ایشان وجود دارد، این است که به اعتقاد شیعیان، حضرت مهدی عج امام دوازدهم، فرزند امام حسن عسکری عج است و در سال ۲۵۵ق متولد شده و هم‌اکنون در غیبت کبری به سر می‌برد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۷۱)؛ اما بین اهل سنت مشهور است که امام منتظر از خاندان رسول اکرم ص و ذریه امام حسن مجتبی عج است که برای احیای دین اسلام در نزدیکی قیامت متولد خواهد شد و ظهور خواهد کرد (ابن داود، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۱).

البته اندیشه انتظار بین شیعیان به‌عنوان یکی از مذاهب اسلامی، جایگاهی ویژه‌تر دارد. امامت یکی از اصول مذهب شیعه است و روایات متعددی حضرت مهدی عج را آخرین امام و منجی موعود معرفی می‌کند. شیعیان معتقد به انتظار برای یک امام موجود موعودند و نه کسی که هنوز به دنیا نیامده است. استاد جوادی *آملی* در این باره در کتاب خود چنین آورده است:

انتظار پیروان اهل بیت عصمت و طهارت ع با انتظار دیگران تفاوتی عمیق دارد؛ چون فرقه ناجیه در انتظار طلوع شمس موجود مستور است و دیگران منتظر ستاره معدوم، به اعتقاد راسخ ما، مهدی موعود، موجود است؛ اما در پندار دیگران، فقط موعود است و نه موجود. تفاوت معنای انتظار در دو طیف مزبور، همان فاصله عریق میان موجود و معدوم است که نمی‌توان مرز آن را تحدید کرد (جوادی *آملی*، ۱۳۸۷، ص ۱۶۵).

در بین مسیحیان، انتظار موعود، شوری میان آنان ایجاد می‌کند که در سراسر تاریخشان می‌درخشد. یهودیان در بخشی از تاریخ خود، آزار و شکنجه‌ها را به این امید تحمل می‌کردند که روزی «مسیحا» خواهد آمد و آنان را از رنج نجات خواهد داد و فرمانروایی جهان را برای آنان محقق خواهد ساخت. بنابراین، اندیشه «مسیحا» ماهیتاً یک اندیشه یهودی بود که بعدها در مسیحیت تأثیرگذار شد (گریستون، ۱۳۸۷، ص ۱۹). البته لازم به ذکر است که این عقیده، پس از دوران تبعید یهودیان و آشنایی آنان با ایرانیان و عقاید ایشان، به اندیشه یهود رسوخ کرد (اسمارت، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

مسیحیت در بستری یهودی رشد کرد و مسیحیان همانند یهودیان به آداب و شریعت موسوی پایبند بودند و مانند آنان هر روز به معبد می‌رفتند. تنها چیزی که آنان را از بقیه یهودیان متمایز می‌ساخت، اعتقاد به حضرت عیسی علیه السلام به عنوان مسیح موعود بود؛ همان شخصی که انبیای گذشته بنی‌اسرائیل در کتب خود بشارت ظهور او را داده بودند (ناس، ۱۳۷۳، ص ۶۱). مسیحیان اولیه بر اساس باورهای یهودی، معتقد بودند که فرزندی از نسل داود خواهد آمد و دوران طلایی و شکوه سلطنت پدرش را دوباره برای یهودیان به ارمغان خواهد آورد (ر.ک: اشعیا ۱۱: ۹-۱۰).

گرچه مسیحیت بر اساس اندیشه انتظار مسیحای یهود پدید آمد (توفیقی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰)، اما راه این دو دین از هم جدا شد. از نظر یهودیان، وعده‌های مسیحایی در عیسی تحقق نیافت و با آمدن و مرگ او هیچ چیز تغییر نکرد. پس آنان منتظر مسیحا در آخرالزمان خواهند بود (ویور، ۱۳۸۱، ص ۷۹). برخلاف آنان، مسیحیان معتقدند که عیسی نظم عالم را بر هم زده و اتفاقات پیش از او بر وجود وی دلالت می‌کند. مسیحیان پیوسته در شور و اشتیاق بازگشت دوباره مسیح، دوران را گذرانده‌اند (ر.ک: اول تسالونیکیان ۱: ۱۰).

جامعه مسیحیت در آغاز باور داشت که حضرت عیسی علیه السلام به زودی باز خواهد گشت و بی‌صبرانه منتظر روز پایانی بود. این انتظار و شوق بازگشت مسیح، در بخش‌های قدیم‌تر عهد جدید، مانند رساله اول و دوم به تسالونیکیان منعکس شده است؛ ولی رساله‌های متأخرتر، مانند رساله اول و دوم به تیموتائوس، رساله به تیطس و رساله‌های پطرس به تشکیل جامعه و زندگی مسیحی در این جهان پرداخته‌اند؛ سپس مسیحیان کتاب‌های مکاشفه تازه‌ای نوشتند. همچنین برخی از کتاب‌های مکاشفه یهودیان را دست‌کاری کردند و با آرمان‌های مسیحیان هماهنگ ساختند؛ برای مثال، کتاب *مکاشفه یوحنا* در پایان عهد جدید، کتابی است دارای پیچیدگی‌ها و ابهامات و رمزهای فراوان، که آخرت‌شناسی مسیحیت را ایجاد کرد و برای مسیحیان اهمیت بسیار دارد (توفیقی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰).

۲. انتظار برای ظهور

در کلام معصومین علیهم السلام انتظار، از برترین اعمال (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲، باب ۵۵) به شمار می‌رود. برداشت صحیح و منطقی از انتظار، منشأ رشد و بالندگی جامعه به سمت کمال خواهد بود. به همین دلیل، منتظر واقعی احساس مسئولیت کرده، به وظایف دینی و تکالیف شرعی خود عمل می‌کند و از این طریق، به قدر توان خود، زمینه ظهور را فراهم می‌سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴).

به نوعی دیگر می‌توان گفت که دوران انتظار، دوران امتحان و آزمایش است. بر اساس روایات، عملکرد مؤمنین در این دوران، آزموده شده، صحت و سقم اندیشه‌ها و اعتقادات و اعمال سنجیده می‌شود و تنها افرادی می‌مانند که ایمان خالص داشته باشند (مفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۱). بنابراین، هر کسی که می‌خواهد در آزمون دوران انتظار سربلند بیرون بیاید، باید خود را برای برخورد با انواع کجروی‌ها و گمراهی‌ها آماده سازد و با احساس مسئولیت و عمل به تکالیف دینی و حضور مؤثر در جامعه، مہیای جهاد شود.

در دین مسیحیت، بر اساس اندیشه مسیحی، عیسی مسیح سه روز پس از به صلیب کشیده شدن، از میان مردگان برخاست و به مدت چهل روز در میان یاران خود زندگی کرد و سپس به آسمان‌ها عروج نمود (ر.ک: اعمالان رسولان ۱: ۱-۳).

پس از گذشت ایام، زمانی که وقت آن فرا برسد، مسیح دوباره به زمین باز خواهد گشت. «گفتند: ای مردان جلیلی! چرا ایستاده به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد؛ به همین طوری که او را به سوی آسمان روانه دیدید» (اعمال رسولان ۱: ۱۱).

بازگشت دوباره عیسی مسیح، از مفاهیم کلیدی و پراهمیت کتاب مقدس است؛ تا آنجا که کتاب مقدس بیش از سیصد بار به این موضوع پرداخته و چندین باب را به آن اختصاص داده است (ر.ک: متی، باب ۲۴ و ۲۵؛ مرقس ۱۳؛ لوقا ۲۱). علاوه بر آن، در این مجموعه، رساله‌هایی مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان و مکاشفه یوحنا وجود دارد که صرفاً در همه باب‌های خود به تفسیر و تبیین همین آموزه پرداخته‌اند. بر این اساس، می‌توان رجعت مسیح را از مهم‌ترین تعالیم کتاب مقدس دانست (تیسن، بی‌تا، ص ۲۲۷).

۳. انواع انتظار

در مکاتب مختلف، انتظار ابعاد و لایه‌های متعددی دارد که به آنها اشاره می‌شود:

(الف) در مکاتب غیرشعبی، مفهوم انتظار فقط برای منجی آخرالزمان و تحولات مرتبط با آن زمان به کار می‌رود. در تعریف آنان، ظهور منجی در آینده‌ای مبهم تحقق خواهد یافت و همه مردم به انتظار می‌نشینند تا زمان موعود فرا برسد و منجی ظهور کند (ناس، ۱۳۷۲، ص ۲۸۳).

(ب) این مفهوم انتظار در بین مسلمانان، بیشتر به مذهب شیعه اختصاص دارد. در مذهب شیعه، علاوه بر انتظار برای منجی در آخرالزمان برای ایجاد تحولات، انتظار ملاقات و برقراری پیوند معنوی با منجی و امام عصر علیه السلام

در دوران کنونی و پیش از ظهور نیز مطرح است (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۹۴)؛ به شکلی که شخص با تهذیب نفس، خود را آماده دیدار امام می‌کند؛ مانند بسیاری از علما که توفیق زیارت امام زمان علیه السلام را پیدا کردند (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۳-۴۸۴؛ طوسی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۰-۴۹۵).

ج) یک بُعد از ابعاد دیگر انتظار، بعد جهانی و فراگیری آن است. عنایتی الهی که شامل همهٔ آحاد بشر می‌گردد و مانع از آن می‌شود که انسان‌ها دست از آیندهٔ روشن بردارند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۴۰۶).
با توجه به آنچه دربارهٔ حضور منجی در مذهب شیعه و ملاقات با وی در دوران غیبت سخن به میان آمد، در تعالیم مسیحی به گونه‌ای دیگر با این قضیه روبه‌رو می‌شویم.

پس از مرگ عیسی صلی الله علیه و آله در عهد جدید با گزارش‌های بسیاری از ظهورهای مکرر وی برای شاگردانش مواجه می‌شویم. او به آنها اجازه داد تا زخم‌هایش را لمس کنند و حتی با آنان به خوردن ماهی پرداخت تا تردیدهایشان را در خصوص رستاخیز مرتفع سازد (ر.ک: مکاشفه یوحنا ۲۱: ۱۲-۱۴).

شاگردان عیسی (از جمله پطرس) پس از مرگ و رستاخیز او، از وی با عنوان مسیح خود یاد کردند (اعمال رسولان، ۲: ۳۶)؛ لقبی که عیسی قبل از مرگ، آنان را از بیانش نهی کرده بود (پت فیشر، ۱۳۸۹، ص ۴۴۵). او انسانی با قدرت معجزه است؛ پسر خداست که باید درد گناه بشر را تحمل کند و بمیرد و رستاخیز نشانهٔ قدرت او بر مرگ است. رستاخیز، عیسی را قادر ساخت که او را مسیح بدانند و قدرت او بر مرگ و تعالیم و معجزه‌های او باعث شد او را منجی بنامند (ویور، ۱۳۸۱، ص ۷۳-۷۶)؛ «پس جمیع خاندان اسرائیل یقیناً بدانند که خدا همین عیسی را که شما مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است» (اعمال رسولان ۲: ۳۶).

در مراسم عشای ربانی نیز مسیحیان با عیسی مسیح صلی الله علیه و آله ارتباط برقرار می‌کنند. بر اساس گزارش عهد جدید، عیسی در مراسم شام آخر، نان و شراب را به‌عنوان گوشت و خون خود به شاگردان داد تا آنها را بخورند و بنوشند. مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت می‌کنند، باور دارند که مسیح با جسم خود نزد آنان حاضر می‌شود (توفیقی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷).

نوع دیگر ارتباط مسیح پس از مرگ و در دوران غیبت با یاران و شاگردانش، از طریق روح‌القدس است. بر اساس روایت اعمال رسولان، در روز عید پنجاهه اتفاقی رخ داد:

و چون روز بنطیکاست رسید، به یک دل در یک جا بودند، که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند، پر ساخت و زبان‌های منقسم شده، مثل زبان‌های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یک از ایشان قرار گرفت و همه از روح‌القدس پر گشته به زبان‌های مختلف - به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید - سخن گفتن شروع کردند (اعمال رسولان ۲: ۱-۴).

نزد مسیحیان اولیه، هبوط روح‌القدس در روز عید پنجاهه به آنها اطمینان قلبی بخشید که همان نیروی غیبی که در عیسی مسیح، سرور ایشان، مستور بود، در آنها ظاهر شده است (ناس، ۱۳۷۲، ص ۶۱۰). البته این کار (هبوط روح‌القدس)،

بر اساس اعتقاد مسیحیان، توسط خود عیسی مسیح صورت گرفته است و در واقع وی توسط روح القدس با پیروانش ارتباط برقرار می‌کند.

۴. بازگشت مسیح

در عهد جدید، آیات بسیاری وجود دارد که به امر بازگشت مسیح می‌پردازد. در بعضی آیات، خود عیسی وعده بازگشت را می‌دهد (متی، ۲۴-۲۷) و در بعضی دیگر، رسولان نوید بازگشت وی را می‌دهند که وی ظهور خواهد کرد و ما را به رهایی خواهد رساند (ر.ک: عبرانیان ۹: ۲۸) و ما منتظر این ظهور آخر هستیم تا رها شویم؛ آن رهایی که با تحول ما کامل می‌شود (ر.ک: فیلیپیان ۳: ۲۰-۲۱).

لازم به ذکر است که در طی زمان، احساس انتظار مسیح و آمدن ملکوت خدا، برای مسیحیان اولیه رو به کاهش گذاشت و این انتظار مستمر پدیدار شد که مسیح در شکوه و جلال در آخرالزمان باز می‌گردد تا بر زندگان و مردگان داوری کند و خلقت جدید را تحقق بخشد. این عقیده به «رجعت ثانی» مسیح، تا امروز همچنان به‌عنوان یک اعتقاد راسخ باقی مانده است (پت فیشر، ۱۳۸۹، ص ۴۶۱). البته اینکه زمان بازگشت کی خواهد بود، کسی از آن اطلاعی ندارد (متی ۲۴: ۴۲) و عیسی به صورت ناگهانی و بدون اطلاع قبلی، به همراه فرشتگان ظهور خواهد کرد: «هنگامی که من با شکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آن‌گاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست؛ سپس تمام قوم‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد» (متی ۲۵: ۳۱-۳۲).

البته مؤمنان - که قضیه بازگشت پیوسته با ایمان درونی‌شان گره خورده است - ناخودآگاه تمایل دارند تا بازگشت را قریب‌الوقوع بدانند (ر.ک: متی، ۲۴: ۴۲؛ لیون، ۱۹۸۶، ص ۸۸۳).

نکته قابل ذکر این است که بازگشت مسیح پس از طی شدن دوران مصیبت محقق می‌شود (متی ۲۴: ۲۹) و او به‌منظور برقراری ملکوت الهی باز می‌گردد. جهان در آستانه بازگشت، در وضعیت نابسامانی همچون جنگ و قحطی و زلزله به سر می‌برد؛ مؤمنان به مسیح مورد جفا قرار می‌گیرند (ر.ک: متی ۱۰: ۲۲-۲۳؛ متی ۲۴: ۷-۳۲)؛ آموزه‌های نادرست رواج می‌یابند (ر.ک: مرقس ۱۳: ۲۱-۲۲) و به امور دینی بی‌توجهی می‌شود (ر.ک: لوقا ۱۷: ۲۶-۳۰)؛ روابط انسانی رو به سردی می‌نهد (ر.ک: مرقس ۱۳: ۱۲) و به‌جای آن، بی‌اخلاقی حاکم می‌شود و جنگ‌های بزرگ رخ می‌دهد و امنیت انسان‌ها به مخاطره می‌افتد (ر.ک: مرقس ۱۳: ۱۵-۱۹).

پس از این اتفاقات، مسیح ظهور خواهد کرد؛ اما درباره ظهور او تعبیر متفاوتی وجود دارد. گاهی از حضور وی در آسمان سخن گفته می‌شود؛ مثل «تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم» (ر.ک: اول تسالونیکیان ۴: ۱۷) و گاهی از حضور او در زمین یاد شده است که عیسی به آسمان رفته و همان‌گونه که رفت، روزی نیز باز خواهد گشت (ر.ک: اعمال رسولان ۱: ۱۱).

در بازگشت آسمانی، که ناگهانی و بدون اطلاع قبلی صورت می‌گیرد، مسیح یاران خود را که در انتظار او به سر می‌بردند، همراه خود می‌کند و به آسمان می‌برد.

زیرا این را به شما از کلام خدا می‌گوییم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم، بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست؛ زیرا خود خداوند با صدا و به آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آن‌گاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان در ابرها روبرو خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود (اول تسالونیکیان ۴: ۱۷-۱۵).

در مرحله بعد، زمانی که عالم را مصیبت‌های مختلف دربرگرفته است، مسیح با لشکریان خود از آسمان فرود خواهد آمد و در جنگ نهایی با دشمن خود، پس از غلبه بر لشکر دشمنان، رهبران آنان گرفتار شده، به دریاچه آتش افکنده خواهند شد (ر.ک: مکاشفه یوحنا ۱۹: ۱-۲).

پس از پیروزی مسیح در این نبرد، حکومت مسیح به مدت هزار سال برای اجرای عدالت در جهان آغاز خواهد شد و شیطان نیز در این مدت در بند خواهد بود (ر.ک: مکاشفه یوحنا ۲۰: ۱-۳). پس از هزار سال قیامت برپا می‌شود و داوری نهایی صورت خواهد گرفت (ر.ک: مکاشفه یوحنا، ۲۰: ۷).

۵. تحقق حکومت جهانی

مفهوم انتظار، بنا بر آنچه گفته شد، امید به آینده را در زندگی مؤمنان پررنگ می‌کند؛ آینده‌ای که در آن همه اختلافات و امتیازات بشری، اعم از دینی، نژادی، جغرافیایی و... از بین خواهد رفت و بر مبنای اعتقادات واحد، جامعه‌ای تشکیل خواهد شد که امتی است واحد و دارای یک جهان‌بینی.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مفضل! امام قائم علیه السلام از میان ملتها و آیین‌ها اختلافات را برمی‌دارد و دینی را بر همه حاکم می‌گرداند» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۷۲).

از آنجا که تنها دین مورد تأیید خداوند دین اسلام است (آل عمران: ۱۹) حضرت مهدی علیه السلام با برپایی حکومت الهی خود، دین اسلام را بر همگان عرضه می‌کند و همه را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات‌بخش آن فرا می‌خواند و این‌گونه مصداق آیه شریفه «لیظهره علی الدین کله» می‌گردد؛ زیرا او می‌آید تا همه دین را ارائه دهد و جریان هدایت را کامل سازد (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۵، ص ۳۴).

حال برای رسیدن به چنین حکومتی که زمان اجرای همه احکام دین است و در واقع انقلابی جهانی و میراث قیام انبیا و اولیاست، مقدماتی لازم است و همه شیعیان باید خود را آماده سازند تا زمینه ظهور هرچه زودتر حضرت مهدی علیه السلام فراهم گردد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر یک از شما موظف است خود را برای ظهور قائم علیه السلام هرچند با فراهم کردن تیری، آماده کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۶۶). برای این کار، اولین قدم اصلاح نفس است؛ زیرا انسان‌ها خود را برای ظهور کسی آماده می‌کنند که مصلح کل است و اگر در این راه به اصلاح اخلاق و رفتار خویش نپردازند، شایستگی ورود در این حکومت را ندارند؛ چراکه حکومت از آن صالحان و نیکان است.

در این راستا، آنان باید خود را برای امتحان الهی آماده سازند تا عیار دین‌داری آنها محک بخورد (مفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۲)؛ گرچه این سنت الهی است که همه ایمان‌داران در همه زمان‌ها، مورد امتحان خداوند واقع شوند (عنکیوت: ۲).

۵-۱-۱. ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی عج

هر حکومت و دولتی برای خود ویژگی‌هایی دارد که آن را از بقیه متمایز می‌کند. از آنجا که حکومت امام زمان بهترین حکومت روی زمین از آغاز خواهد بود و انسان‌ها از آن با عنوان یک آرمان یاد می‌کنند (اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۵۷) باید ویژگی‌هایی داشته باشد که همگان (با هر اندیشه و سلیقه) آرزوی زندگی در آن را داشته باشند. از آن جمله می‌توان به این ویژگی‌ها اشاره کرد:

۱-۱-۵. خلافت صالحان و نیکان

در زمان حکومت امام زمان عج ابتدا آزمایش‌هایی بر مبنای ایمان و کردار انسان‌ها صورت می‌گیرد و آنانی که ایمان دارند؛ از گمراهان و بدکرداران جدا می‌شوند و تنها کسانی شایستگی حضور پیدا می‌کنند که ایمان خود را خالص کرده‌اند و بر اساس حق به انجام امور نیک و صالح می‌پردازند. در نهایت، این صالحان و خوبان‌اند که در دوران ظهور، زمام امور را به دست خواهند گرفت:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد (انبیاء: ۱۰۵).

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ؛ خداوند به کسانی که ایمان آورده و اعمال نیک انجام داده‌اند، وعده فرموده است که حکومت روی زمین را نصیب آنها خواهد فرمود؛ چنان‌که پیشینیان آنها را حکومت عطا فرمود و دین و آیینی را که برای آنها انتخاب فرموده، به قدرت الهی تثبیت می‌نماید و امنیت را جانشین خوف و ناامنی خواهد فرمود (نور: ۵۵).

بر اساس آنچه در بعضی روایات و تفاسیر (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۱۵۲؛ طوسی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۱) نقل شده، ائمه معصومین ع این آیه را درباره حضرت مهدی عج و یارانشان می‌دانند.

در این آیه، خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است که آنها را در زمین خلافت می‌بخشد و دینشان را تثبیت می‌کند و امنیت را برایشان برقرار می‌سازد. در واقع، آیه به نحوه زندگی مؤمنان در زمان ظهور اشاره می‌کند (نعمانی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۱). در آیه‌ای دیگر نیز به وارثین روی زمین اشاره می‌شود که پس از به استضعاف کشیدن آنها توسط دیگران، خداوند بر آنها منت می‌نهد و آنان را پیشوا قرار می‌دهد. همان کسانی که روزی زبردست بودند، به سروری و پیشوایی خواهند رسید: «وَرُبُّدُّنْ أَنْ تُنْمَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَّلَهُمْ أُمَّةً وَنَجَّلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ و می‌خواهیم که بر مستضعفان روی زمین منت نهیم و آنها را پیشوا و وارث روی زمین قرار دهیم» (قصص: ۵).

۱-۲-۵. برپایی احکام الهی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّهِمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ همان کسانی هستند که اگر آنها را در زمین استقرار دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به معروف امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند؛ و سرانجام کارها با خداست» (حج: ۴۱).

در تفسیر نمونه، ذیل این آیه حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که در توضیح آن به حضرت مهدی علیه السلام و پیروان وی اشاره می‌شود؛ سپس امام می‌فرماید:

خداوند شرف و غرب زمین را در سیطره حکومت آنها قرار می‌دهد. آیینش را آشکار می‌سازد، و به وسیله مهدی علیه السلام و یارانش، بدعت و باطل را نابود می‌کند؛ آن گونه که تبهکاران حق را نابود کرده بودند؛ و چنان می‌شود که بر صفحه زمین اثری از ظلم دیده نمی‌شود؛ چراکه آنها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۱۲۱).

۱-۳-۵. حکومت عدالت محور

بر اساس آنچه در روایات درباره خصوصیت حکومت امام زمان علیه السلام مشاهده می‌کنیم، بر هیچ ویژگی به اندازه عدالت تأکید نشده است. در واقع، مسلمانان منتظر موعودی هستند که از ویژگی‌های بارز او «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛ زمین به واسطه او از قسط و عدل پر می‌شود، همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷، ص ۱۱۹) می‌باشد (ابی داود، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۵۰۹).

در حکومت عادلانه حضرت مهدی علیه السلام با ظالمان و مستکبران قاطعانه برخورد می‌شود و آنان از قدرت و حکومت کنار گذاشته می‌شوند و بر اساس آنچه قبلاً ذکر شد و خداوند وعده داده است، مستضعفین وارثان عالم خواهند شد.

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

آگاه باشید! فردایی که از آن هیچ شناختی ندارید، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومت‌های امروز است و کارگزاران حکومت‌ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد... او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر را که تا آن روز متروک مانده‌اند، زنده می‌کند (نهج البلاغه، خ ۱۳۸، ص ۱۹۰).

۱-۴-۵. رفاه اقتصادی

پس از ایجاد حکومت صالحان در عصر ظهور، اوضاع معیشتی انسان‌ها رو به بهبود می‌گذارد و مردم از لحاظ اقتصادی بی‌نیاز می‌شوند؛ به گونه‌ای که دیگر نیامندی در دنیا پیدا نمی‌شود (ابن ماجه، ۲۰۰۴، ص ۴۱۱).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هنگام قیام قائم ما، زمین با نور خدایی بدرخشد... و شما به جست‌وجوی فردی برآیید که مال یا زکات بگیرد؛ ولی کسی را نمی‌یابید که از شما قبول کند. مردمان همه به فضل الهی بی‌نیاز می‌شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۳۷). در آن زمان، برکات خداوند از آسمان بر آنها نازل می‌شود و زمین گنج‌های خود را بر آنان مکشوف می‌سازد (همان، ج ۵۱، ص ۷۸).

احادیث بسیار دیگری در این زمینه موجود است که همه بر اصلاح اوضاع اقتصادی، رفع فقر و تنگدستی، بی‌نیازی مالی انسان‌ها و ایجاد رفاه اجتماعی دلالت دارد و این وعده خداوند است که اگر انسان‌ها اهل ایمان باشند و تقوای الهی را پیشه کنند، خداوند از آسمان و زمین رحمت و برکت خود را بر آنها فرو می‌ریزد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْاَقْرَبِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» (اعراف: ۹۶).

علاوه بر موارد یاد شده، می‌توان ویژگی‌های دیگری هم برای چنین حکومتی برشمرد؛ از جمله: آبادانی و عمران روی زمین؛ تکامل علوم و عقول انسان‌ها؛ ایجاد امنیت در حکومت و بر روی زمین؛ رفع بدعت‌ها و تحریف‌های دین و... (مفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۵۹)؛ اما از آنجا که مجالی برای ارائه آنها نیست، به همین مقدار بسنده می‌شود.

۶. تحقق ملکوت خداوند

در مسیحیت - بر اساس آنچه قبلاً گفته شد - از برجسته‌ترین آموزه‌های عهد جدید می‌توان به بازگشت مسیح اشاره کرد و مؤمنان برای این بازگشت باید خود را آماده سازند.

ترغیب و تشویق مسیح برای آمادگی، آثاری به دنبال دارد؛ از جمله: نجات بنی‌اسرائیل و امت‌ها از ظلم و ستم (ر.ک: رومیان ۱۶: ۲۵-۲۷)؛ آزادی از فساد و گناه و برکت دادن به انسان‌ها (ر.ک: متی ۲۵: ۳۵-۲۶)؛ داوری بین همه امت‌ها و پاداش به نیکان (ر.ک: متی ۲۵: ۳۱-۳۵) و...

اما آنچه در این میان بیشتر به چشم می‌خورد، برقراری ملکوت خداوند است. ملکوت خداوند واژه‌ای است که در اناجیل هم‌نوا به‌وفور از آن یاد می‌شود (ر.ک: متی، ۱۹: ۱۴-۲۲؛ ۱-۱۴؛ مرقس، ۱۰: ۲۴-۲۵؛ لوقا، ۲۰) و در واقع هسته مرکزی تعلیم و آموزه‌های مسیح را تشکیل می‌دهد.

این وعده که با آمدن عیسی علیه السلام محقق خواهد شد، روح امید را در زندگی بشر می‌دمد و زندگی هدفمندی به انسان می‌بخشد. در این زندگی، انسان با تحمل رنج‌ها و سختی‌ها و آزمایش‌های گوناگون، ایمانش را حفظ می‌کند و خود را برای ملکوت خداوند آماده می‌سازد: «بلکه به قدری که شریک زحمات مسیح هستید، خشنود شوید تا در هنگام ظهور جلال وی، شادی و وجد نمایید» (اول پطرس ۴: ۱۲-۱۳).

در تفسیر عهد جدید، واژه ملکوت را این‌گونه تفسیر کرده‌اند:

ملکوت خدا یا ملکوت آسمان، اشاره به مکانی خاص نیست و مانند حکومت‌های دنیوی نیست. ملکوت خدا، ملکوتی روحانی است که خدا با اقتدار بر آن حکمرانی می‌کند. به یک معنا، ملکوت خدا در همه جا هست؛ اما در عهد جدید، ملکوت خدا معمولاً به معنای «حکومت روحانی» است که در آن، فرشتگان و انسان‌ها خدا را پرستیده، از او اطاعت می‌کنند. بنابراین، به این معنا دنیا هنوز ملکوت خدا محسوب نمی‌شود؛ بلکه ملکوت شیطان است. با وجود این، به معنای دیگر، عیسی ملکوت خدا را بر زمین آورد و تمام کسانی که به عیسی ایمان دارند، بلافاصله از حکومت شیطان آزاد شده، وارد ملکوت خدا می‌شوند (هیل و تورسون، ۲۰۰۱، ص ۲۵).

۶-۱. شرایط ورود به ملکوت خداوند

برای ورود به ملکوت، شرایطی وجود دارد و هر کس که بخواهد، نمی‌تواند وارد آن شود، مگر آنکه دارای این شرایط باشد:

۱-۱-۱. پاکی و دوری از گناه

در انجیل مرقس از زبان حضرت عیسی علیه السلام آمده است: «می‌گفت وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است؛ پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید» (مرقس ۱: ۱۵). «و اول همه با یکدیگر به شدت محبت نمایید؛ زیرا که محبت، کثرت گناهان را می‌پوشاند» (اول پطرس ۴: ۸).

۱-۱-۲. تواضع مؤمنان

«پس هر که مثل این بجهت کوچک خود را فروتن سازد، همان در ملکوت آسمان بزرگ‌تر است» (متی ۱۸: ۴).

۱-۱-۳. عدم دلبستگی به مظاهر زندگی دنیوی

«عیسی به شاگردان خود گفت: هرآینه به شما می‌گویم که شخص دولتمند به ملکوت آسمان به دشواری داخل می‌شود» (متی ۱۹: ۲۳).

۱-۱-۴. چشم‌پوشی از شهوات و خوش‌گذرانی‌های گناه‌آلود

«ما را تأذیب می‌کند که بی‌دینی و شهوات دنیوی را ترک کرده، با خرداندیشی و دینداری در این جهان زیست کنیم و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم و نجات‌دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم» (تیتوس ۲: ۱۲-۱۳). در این صورت می‌توانند پس از بازگشت مسیح، در جلال و پادشاهی او شریک شوند و همراه با او سلطنت کنند.

«و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند؛ و آنانی را که خواند، ایشان را نیز عادل گردانید؛ و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد» (رومیان ۸: ۳۰). به این ترتیب، حکومت و سلطنتی که توسط مسیح علیه السلام در آخرالزمان به‌پا خواهد شد، به همراهی کسانی است که از شکوه و جلال خداوند پس از بازگشت مسیح بهره می‌برند.

۶-۲. ویژگی‌های ملکوت خداوند

اما ملکوت خداوند ویژگی‌هایی نیز دارد که بعضی از آنها ذکر می‌شود:

۱-۲-۱. حضور صالحان و نیکان

از آنجایی که ملکوت خداوند تنها جای نیکان و صالحان است، برای حضور در آن باید نیکوکاران از بدکاران جدا شوند و فقط افرادی می‌توانند آن را درک کنند که از خوبان باشند (ر.ک: متی ۱۳: ۳۶-۴۶).

عیسی مسیح معمولاً هنگامی که به ملکوت خداوند و ویژگی‌های آن و وقایعی که در آن اتفاق می‌افتد، می‌پردازد، با زبان تمثیل سخن می‌گوید. برای نمونه، هنگام بیان ویژگی جزا دادن مطابق با اعمال انسان‌ها در ملکوت، از مثال پادشاهی استفاده می‌کند که تصمیم می‌گیرد تا حساب‌های خود را تصفیه کند (ر.ک: متی ۱۸: ۲۳-۳۵). از دیگر مشخصه‌ها و ویژگی‌های ملکوت، برپایی عدالت در زمان تحقق آن است. عیسی مسیح هنگام سخن با شاگردانش در موعظه سرکوه می‌گوید: «خوشا به حال ماتمیان؛ زیرا ایشان تسلی خواهند یافت. خوشا به حال حلیمان؛ زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد. خوشا به حال گرسنگان و تشنگان عدالت؛ زیرا ایشان سیر خواهند شد» (متی ۵: ۴-۶).

۲-۲-۶. برپایی عدالت

با تحقق وعده الهی و پیروزی مسیح و به پایان رسیدن دوران بدی و زشتی، عدالت بین مردم جاری خواهد شد (ر.ک: متی ۱۲: ۱۸-۲۱).

۲-۳-۶. نزول برکات

با برپایی عدالت، جنگ و دشمنی میان مردم از بین خواهد رفت و امنیت و آرامش جای آن را خواهد گرفت و رحمت و برکت بر نیکان فرو خواهد ریخت: «آن‌گاه پادشاه به اصحاب طرف راست گوید: بیایید ای برکت‌یافتگان از پدر من، و ملکوتی را که از ابتدای عالم برای شما آماده شده است، به میراث گیرید» (متی ۲۵: ۳۴).

نتیجه‌گیری

اعتقاد به ظهور منجی و تشکیل حکومتی جهانی ریشه در باور اکثر مکاتب و مذاهب دارد. در این میان، دین اسلام - به‌ویژه مذهب شیعه - و دین مسیحیت، اهتمام ویژه‌ای به این امر داشته‌اند. انسان‌ها همواره به دنبال رشد و تعالی در زندگی خود هستند؛ اما این رشد حقیقی زمانی فراگیر خواهد شد که حکومتی الهی محقق شود و انسانی کامل به منصب ظهور برسد. در آیات قرآن و روایات معصومین و همچنین در آیات کتاب عهد جدید مطالب بسیاری درباره حکومت جهانی در آخرالزمان به چشم می‌خورد. حکومتی که همه تحت لوای یک رهبر جهانی تشکیل می‌شود و به مدد و یاری او انسان‌ها می‌توانند آرزوهای دیرینه خود را جهت رسیدن به کمال به تحقق برسانند. مشکلات جهانی، نیازهای بشر، ارزش‌هایی که باید فراگیر شوند و آرمان‌هایی که انسان‌ها به دنبال آن هستند، همگی باعث می‌شوند تا انسان‌ها به ضرورت وجود و ظهور منجی اهتمام بیشتری داشته باشند و آگاهانه و عاشقانه به انتظار او و حکومت جهانی و الهی‌ای که رهبری آن فقط توسط او صورت می‌گیرد، بنشینند. حکومت وی ویژگی‌هایی دارد که سبب تمایز این حکومت می‌شود. شباهت بسیاری که در این زمینه بین دو دین اسلام و مسیحیت است، انکارناشدنی است. از جمله شباهت‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- قبل از ظهور حضرت مهدی عج و بازگشت حضرت مسیح علیه السلام فساد و ظلم در عالم فراگیر می‌شود و به‌دستان این دو بزرگوار است که عالم روی صلاح، آرامش و عدالت را خواهید دید.

۲- بشارت‌های در قرآن و احادیث و همچنین در عهد جدید، روح امید به زندگی و انتظار برای تحقق آرزوها را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. امید به تحقق حکومت جهانی، رسالت پیامبران بوده است و تحقق ملکوت خداوند بازگشت مسیح علیه السلام و پادشاهی آسمانی را به دنبال خواهد داشت. انسان‌ها با تحمل رنج‌های دوران انتظار، با حفظ ایمان خود، به دنبال تحقق وعده‌های خداوندند.

۳- در هر دو دین برای تشکیل حکومت جهانی، مؤمنان باید آمادگی لازم را به دست آورند. اولین و مهم‌ترین شکل آمادگی، اصلاح نفس و دوری از گناه است. مؤمنان در این راه دچار آزمایش‌های متعددی می‌شوند تا ایمان خود را اثبات کنند.

۴- در هر دو دین، حکومت نهایی مصلح جهانی دارای ویژگی‌های شبیه به هم هستند. از جمله:
الف) حکومت جهان از آن صالحان خواهد بود و نیکان و بدکاران از یکدیگر جدا می‌شوند و تنها آنانی که ایمان خود را خالص کرده‌اند، می‌توانند زمام امور را به دست گیرند.

ب) بر اساس وعده‌های خداوند در دو دین، انسان‌ها منتظر برپایی عدالت توسط منجی آخرالزمان‌اند. در این دوران، زشتی و پلیدی از میان خواهد رفت.

ج) در کتب مقدس هر دو دین، آیات و روایاتی وجود دارند که بشارت نزول برکات از زمین و آسمان می‌دهند. در این زمان، دیگر فقیری نخواهد بود و همه انسان‌ها از رفاه مادی و اقتصادی برخوردار خواهند شد.

در این میان، تفاوتی هم وجود دارد و آن اینکه حضرت مهدی عج موعودی زنده است؛ اما حضرت مسیح علیه السلام پس از مرگ به سوی خدای پدر عروج نمود و در آخرالزمان دوباره به دنیا باز خواهد گشت.

بیان نکته دیگری که دربرگیرنده تفاوت و شباهت بین دو دین است ضروری به نظر می‌رسد، در اندیشه مسیحیان، بر مبنای کتاب مقدس در آخرالزمان شخص دیگری ظهور خواهد کرد که مسیح نیست. او قیام خواهد کرد و همراه با لشگرهای آسمانی به حق و عدل رفتار خواهد نمود. او شاه شاهان و سرور سروران خواهد بود (مکاشفه یوحنا ۱۹: ۱۱-۱۶)؛ اوست که قوم‌های بی‌ایمان را سرکوب می‌کند. در فرهنگ اسلامی نیز بر مبنای روایات، حضرت مسیح علیه السلام نیز ظهور خواهد کرد و حضرت مهدی عج را یآوری خواهد نمود (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۲۸).

می‌توان از این دو اندیشه نتیجه گرفت که در امر ظهور، هر دو بزرگوار حضور دارند؛ یک نفر قیام می‌کند و با بی‌ایمانان می‌جنگد و عدالت را برقرار خواهد ساخت و دیگری او را یاری خواهد کرد. در اسلام، حضرت مهدی عج قیام‌کننده و حضرت مسیح علیه السلام یاور او خواهد بود. البته نقش حضرت مسیح علیه السلام در فراگیری اسلام بین مسیحیان نقشی کلیدی و مهم است؛ چرا که با اقتدای حضرت مسیح به امام زمان عج مسیحیان اگر مؤمن و

معتقد به وی باشند، به حضرت مهدی علیه السلام اقتدا کرده، مسلمان خواهند شد و این‌گونه با ایمان آوردن جمعیت بسیار زیاد مسیحیان، زمینه ایجاد حکومت جهانی فراهم خواهد شد.

از این‌رو، با توجه به برپایی حکومت جهانی توسط منجی آخرالزمانی و وعده‌هایی که بشر در ادوار مختلف تاریخی منتظر تحقق آنها بوده است، امر انتظار ضرورت بیشتری پیدا خواهد کرد؛ چرا که انتظار برای ظهور، در واقع همان انتظار برای برپایی حکومت جهانی الهی است. برای برپا شدن این حکومت، نیاز به پرورش و تربیت مردمی است که سازنده این حکومت خواهند بود. از مهم‌ترین مقدمات و شرایط سازنده این حکومت، انتظار است. در حقیقت، انتظار انسان‌ها را آماده ورود به حکومت جهانی می‌کند. البته این انتظار از نوع انتظار منفعل و بی‌خاصیت نیست؛ بلکه انتظاری پویا و فعال است؛ زیرا شرط ورود به چنین حکومتی این است که از انواع امتحانات و ابتلائات عبور کنند. از همین روست که وقتی حکومت جهانی برپا شود، بر اساس وعده‌های الهی پاکان و صالحان از آن بهره‌مند خواهند شد. همچنین امید به برپایی چنین حکومتی مؤمنان را به تلاش و ثبات قدم بیشتر ترغیب می‌کند. انتظار سازنده و پویا که مؤمنان را برای رسیدن به چنین روزی آماده و مهیا می‌کند، دل‌های آنان را مشتاق‌تر می‌سازد. البته در این راه می‌توانند از الطاف حضرت مهدی علیه السلام و توفیق دیدار در دوران غیبت، و حضرت مسیح علیه السلام و ارتباط و توسل به وی بهره‌مند شوند. بنابراین هر کسی که می‌خواهد در آزمون دوران انتظار سربلند بیرون بیاید و در جریان ظهور نقشی داشته باشد، باید خود را برای برخورد با انواع کجروی‌ها و گمراهی‌ها آماده سازد؛ دست از انزوا و گوشه‌نشینی و تحمل وضع موجود بردارد و با احساس مسئولیت و عمل به تکالیف دینی و حضور مؤثر در جامعه، مهیای جهادی شود که با آن حق و اخلاص در عمل شکوفا گردد و با این کار زمینه تعجیل در ظهور را فراهم سازد.

منابع

کتاب مقدس

- ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۰، *کمال‌الدین و اتمام النعمه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، ۲۰۰۴م، *سنن ابن‌ماجه*، بیروت، بیت الافکار الدولیه.
- ابی‌داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، ۱۴۰۹ق، *سنن ابی‌داود*، بیروت، دارالجنان.
- ارلی، علی بن عیسی، ۱۴۲۱ق، *کشف الغمّة فی معرفة الأئمة*، بیروت، دارالأضواء.
- اسمارت، نینیان، ۱۳۹۴، *تجربه دینی بشر*، ترجمه محمد محمدرضایی و ابوالفضل محمودی، تهران، سمت.
- آیتی، نصرت‌الله، ۱۳۹۶، «جایگاه حکومت عدل جهانی در سیر تاریخی حرکت انبیاء»، *مشرق موعود*، ش ۴۲، ص ۷-۳۸.
- پت فیشر، ماری، ۱۳۸۹، *دائرةالمعارف ادیان زنده جهان*، ترجمه مرضیه سلیمانی، تهران، علم.
- توفیقی، حسین، ۱۳۸۴، *آشنایی با ادیان بزرگ*، قم، مؤسسه فرهنگی طه.
- تیسن، هنری، بی‌تا، *الهیات مسیحی*، ترجمه میکائیلیان، تهران، حیات ابدی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۸ق، *معجم احادیث الامام المهدی*، قم، مسجد جمکران.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *امام مهدی*، موجود موعود، قم، اسراء.
- شریف رضی، ۱۳۷۹، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۳۷۵، *نوید امن و امان*، قم، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه.
- طباطبایی، سید مصطفی، ۱۳۸۴، *فرهنگ نوین*، تهران، اسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۹، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۶، *الغیبه*، ترجمه مجتبی عزیزی، قم، مسجد جمکران.
- قمی، شیخ عباس، بی‌تا، *منتهی الآمال*، تهران، جاویدان.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۰، *اصول کافی*، ترجمه حسین استاد ولی، تهران، دارالتقلین.
- گرینستون، جولوس، ۱۳۸۷، *انتظار مسیحا در آئین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- لیون دوفر، ۱۹۸۶م، *معجم اللاهوت کتابی*، بیروت، دار الشرق.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسه الوفا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، *مجموعه آثار*، ج ۲۴، تهران، صدرا.
- مفید، محمد بن نعمان، بی‌تا، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی اصفهانی، محمدتقی، ۱۳۶۳، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، قم، المطبعة العلمیه.
- ناس، جان بی، ۱۳۷۲، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
- نصیری، علی، ۱۳۸۷، «نگاهی به پدیده انتظار و آثار حیات‌بخش آن»، *انتظار موعود*، ش ۲۴، ص ۸۵-۱۱۱.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *الغیبه*، ترجمه جواد غفاری، تهران، کتابخانه صدوق.
- ویور، مری جو، ۱۳۸۱، *درآمدی به مسیحیت*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- هیل، توماس و استیفان تورسون، ۲۰۰۱م، *تفسیر کاربردی عهد جدید*، ترجمه آرمان رشدی و فریبرز خندان، بی‌جا.